

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 193



Date of filing: 25 Sept '92

** AWARD - Type of Award _____
- Date of Award _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of Mr. Aghahosseini
- Date 11 Aug '92
_____ pages in English 8 pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ

SEPARATE OPINION OF
MR. AGHAHOSSEINI
Case No. 193
Chamber Three

DUPLICATE
ORIGINAL

نسخه برابر اصل

به نام خدا

پرونده شماره ۱۹۳
شعبه سه
حکم شماره ۵۳۴-۱۹۳-۳

English version

Filed on 11 AUG 1992

نسخه انگلیسی در تاریخ
ثبت شده است: ۲۰ / ۵ / ۱۳۷۱

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL	دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحدہ
FILED	ثبت شد
DATE	25 SEP 1992
	تاریخ ۳ / ۷ / ۱۳۷۱

رضا سعید مالک ،

خواهان،

- و -

دولت جمهوری اسلامی ایران

خوانده.

نظر جداگانه محسن آقاسینی

من با نتیجه^۶ حکم صادره در پرونده حاضر، که دعاوی مطروح را به لحاظ فقد صلاحیت مردود شمرده است، موافقم. با اینحال، این نظر جداگانه را می‌نگارم تا به دو نکته اشاره کنم که گرچه به ویژه از لحاظ کار دیوان در آینده حائز اهمیت فراوان است، اما در هیچ جای حکم بدانها پرداخته نشده.

- ۲ -

ورود به مطلب مستلزم ذکر پیشینه^۶ کوتاهی است.

- یک -

خواهان، دکتر رضا سعید مالک در دادخواستی که شخصا^۶ کرده و در تاریخ ۱۶ دیماه ۱۳۶۰ به ثبت رسانید، مکررا^۶ چنین عنوان کرد که دولت خوانده اموال وی را در تاریخ "نهم اسفندماه ۱۳۵۹" صادره کرده است. ادعاهای خواهان به نحو اقامه شده، خارج از صلاحیت دیوان قرار می‌گرفت، زیرا صلاحیت دیوان ادعاهایی را که در تاریخ ۲۹ دیماه ۱۳۵۹، یعنی تاریخ انعقاد بیانیه‌های الجزیره پابرجا نبوده‌اند، در بر نمی‌گیرد.

حدود هفت ماه بعد، وکیلی که بتازگی عهده‌دار وکالت خواهان شده بود، درصدد تلاش‌هایی برای رفع این مشکل برآمد. در تاریخ ۲۶ مردادماه ۱۳۶۱ وی نامه‌ای به دیوان ارسال داشت که انگیزه آن ظاهرا^۶ اعتراض به درخواست تعدید مهلت خوانده بود، اما در همان نامه ضمنا^۶ به دیوان اطلاع داد که موکل او مایلست راجع به تاریخ صادره ادعایی که قبلا^۶ بدان اذعان کرده بود، "توضیحاتی" بدهد. وکیل خواهان اظهار داشت که خواهان "ادله قاطعی ارائه خواهد کرد" دایر بر اینکه مداخله ادعایی در اموال وی ظرف دوره صلاحیتی دیوان، یعنی در پرونده حاضر، بین ۱۴ آبانماه ۱۳۵۹ که خواهان تابعیت ایالات متحده را کسب کرد و ۲۹ دیماه ۱۳۵۹، که بیانیه‌های الجزیره منعقد شد، صورت گرفته است.

ادله‌ای که وعده تسلیمش داده شده بود بعدا^۶ ارائه شد و فقره اصلی آن نامه‌ای

بود (۱) ممضی به امضا و مهور به مهر سردفتری در تهران. در آن نامه، سردفتر رسماً گواهی کرده است که ملک اصلی آقای مالک - که سردفتر ارزش آن را متجاوز از ۴ میلیون دلار تعیین می‌کند - "از تاریخ آذرماه یکم هزار و سیصد و پنجاه و نه در اختیار [دولت خوانده] قرار گرفته" است. خواهان اظهار داشت که این سند،

"تأییدی از ناحیه یک مقام ذیصلاح دولت کنونی ایران است دایر بر اینکه آن دولت قطعه زمین واقع در ملک خانوادگی خواهان را در شمیران طی دوره‌ای که خواهان ادعا کرده، ضبط نموده است. این، سندی است رسمی از یک مقام دولتی ایران، دال بر آنکه آن دولت [ملک را] برای استفاده خود، ظاهراً به طور قانونی ضبط یا صادره کرده است. در سند مزبور آمده است که ارزش معاملاتی زمین در سال ۱۳۶۲ بین ۸۲۰ تا ۱۱۷۰ دلار به ازای هر متر مربع بوده است." مدرک شماره ۵۵، صفحات ۱۴-۱۳. تاکید در اصل.

دولت خوانده در مقام دفاع اعلام کرد که نامه مزبور سندی است ساختگی که به منظور بی اعتبار کردن اقرار اولیه خواهان و داخل کردن دعاوی در دوره محدود صلاحیتی دیوان جعل شده است. خوانده در تأیید این اظهار ادله فراوانی - از جمله شهادت کتبی و شفاهی سردفتر موردنظر را به دیوان تسلیم کرد.

دیوان پس از بررسی ادله ذیربط خوانده، در حکم نتیجه گرفته است که "نمی‌تواند برای نامه تسلیمی [خواهان] هیچگونه ارزش اثباتی قایل شود."

(۱) سایر ادله عبارت است از چند شهادتنامه از تعدادی از خویشاوندان و آشنایان نزدیک خواهان، که در حکم صادره مورد رسیدگی واقع و فاقد اعتبار دانسته شده‌اند.

و اما دو نکته^۶ موردنظر:

۱ - اولین نکته مربوط است به ماهیت نامه‌ای که بعنوان یک سند محضری ارائه شده است. نامه مزبور بدون هیچ شک و تردیدی ساختگی است. این مدعا نتیجه محتوم اوضاع و احوال پیرامون ارائه نامه و نیز ادله بی‌شمار موجود در پرونده است که حکم حاضر به بعضی از آنها اشاره دارد. در واقع این را باید تنها نتیجه‌ای دانست که دیوان بدان رسیده است والا چطور می‌توان یک نامه رسمی را که اگر اصالت می‌داشت، به گفته خود دیوان، به روشنی "کلیه جوانب ادعای خواهانی را تایید" می‌کرد(۲)، فاقد هرگونه ارزش اثباتی دانست؟ به علاوه، باید متذکر شد که در ارتباط با این سند، تنها دفاع خوانده، ساختگی بودن سند و ادله وی نیز منحصر^۷ در تأیید همین دفاع بوده است. بنابراین، امکان آن که سند به دلایل دیگری مردود شمرده شود، وجود نداشته است.

این استدلال که گهگاه شنیده می‌شود احراز جعل قاعدتا^۸ مستلزم ادله مثبت قوی‌تری است، ارتباطی با مورد اخیر ندارد. در جرایم کیفری مطروح در محاکم جزایی، که آثار مترتب بر احراز جعل، متفاوت و همواره سخت‌تر است، شاید برای اثبات جعل ارائه ادله مثبت قوی‌تری لازم باشد. اما این قاعده در رسیدگی‌های مدنی که ضابطه اثبات، در کلیه مراحل "غلبه ادله" بوده و هست، کاربرد ندارد. در هر حال، ولو آنکه ارائه ادله مثبت قوی‌تری الزامی شمرده

(۲) بند ۸۵ حکم.

شود، به عقیده من باز هم خواننده کاملاً از عهده اثبات مدعای خود برآمده است. در واقع، چنانکه پرونده امر نشان می‌دهد، لوایح و ادله خواننده از این بابت، به ویژه ادله‌ای که جعلی بودن شماره مهر و امضای روی نامه را به نحو قانع‌کننده‌ای اثبات می‌کند، حتی مورد تردید نیز واقع نشده و لذا بلامعارض باقی مانده است.

اینکه خواهان شخصاً نقشی در جعل سند داشته یا خیر، چندان روشن نیست، گرچه باید توجه داشت که شخص خواهان بود که وعده داد با ارائه "ادله قاطعی" به دیوان ثابت خواهد کرد که اولاً وی از ابتدا در اعلام تاریخ مصادره ادعایی اشتباه کرده و ثانیاً مداخله ادعایی در اموال وی ظرف دوره صلاحیتی فوق‌العاده کوتاه دیوان صورت گرفته است. این سند، دلیل اصلی و در واقع تنها "دلیل قاطع" خواهان بود. با اینحال، تصور می‌کنم این امر حائز اهمیت چندان نیست، زیرا قطع نظر از اینکه خواهان خود نقشی در جعل سند داشته یا خیر، تردیدی وجود ندارد که خواهان در هر حال مرتکب جرمی به همان اندازه سنگین، یعنی استفاده از سندی با علم به ساختگی بودن آن شده است (۳). خواهان نه تنها بعد از مواجهه با دفاع مجعول بودن سند و ادله موعید آن دفاع، بلکه حتی بعد از آنکه در جلسه استماع اظهارات سردفتر را درباره چگونگی جعل سرتاپای سند شخصاً از زبان خود او شنید، باز هم از پس گرفتن سند امتناع و همچنان بر استناد بدان پافشاری کرد.

(۳) برای نمونه، بنگرید به : ماده ۱۰۵ قانون مجازات عمومی ایران (اینک ماده ۲۸ قانون مجازات اسلامی ایران) که مجازات چنین جرمی را ۶ ماه تا ۳ سال زندان مقرر داشته است.

۲ - دومین نکته، مربوط به برخورد اسفانگیز دیوان است که اکراه دارد سند مجعول را به نام واقعی آن بنامد(۴) و در قبال رفتار قابل انتقاد خواهان عکس‌العمل جدی نشان دهد.

یک دنیا تفاوت است بین شخصی که صادقانه، گرچه به خطا، تصور می‌کند که حقی قابل پیگیری دارد و شخص دیگری که با علم به اینکه چنین حقی ندارد، به وسایل خلاف، و در صورت لزوم به جعل سند یا به استفاده از سند جعلی متشبث می‌شود، تا ادعایی خلق کند. آنچه مسلم است، شخص اخیرالذکر بنیان همان جریان رسیدگی قضایی را که بدان متوسل شده است، مورد تهدید قرار می‌دهد. دقیقاً به همین دلیل است که در کلیه نظامهای قضایی داخلی لازم دانسته‌اند که با وضع مجازاتهای شدید کیفری قابل اعمال از طریق محاکم جزایی، حریم دادرسی‌های مدنی را در قبال سوءاستفاده‌هایی از این نوع حراست کنند.

اما حراست از حریم دادرسی در دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات متحده متأسفانه از این طریق میسر نیست. با اینحال دیوان وسیله‌ای در اختیار دارد که گرچه اثرش به مراتب کمتر از مجازاتهای کیفری است، ولی می‌تواند برای طرفهای غیرپای‌بند به اصول، به عنوان عامل بازدارنده‌ای مؤثر باشد. وسیله مزبور این است که دیوان می‌تواند در افشاء مواردی که این قبیل سوءاستفاده‌ها را احراز می‌کند، صراحت لهجه به کار برد و مخالفت شدید خود را علیه توسل به شیوه‌هایی از این دست، با عباراتی روشن اعلام کند.

(4) "I cannot say a crow is white, but needs must call a spade a spade".
Humphrey Gifford, A Posie of Gilloflowers (1580).

معدلک در این شعبه و دو شعبه دیگر دیوان، روندی از اکراه در استفاده از این تنها وسیله موجود دیده می‌شود که درک آن ثقیل است، حال آنکه رئیس دیوان اخیراً در نامه‌ای خطاب به نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به شکایت وی از رفتار مشابهی، اظهار داشته است که:

هیچ دیوان داوری نمی‌تواند رفتاری نظیر آنچه را که جنابعالی توصیف کرده‌اید، اجازه دهد و تحمل کند و هرگاه وجود چنین رفتاری در رابطه با پرونده خاصی مدلل گردد، هر دیوانی برای پایان بخشیدن به آن رفتار، جلوگیری از تکرار آن و رفع اثرات آن و اتخاذ هر تدبیر دیگری که مناسب بداند، از وسایلی که در اختیار دارد، استفاده خواهد کرد. (۵)

وسوسه‌هایی که در اثر برخورد این چنانی دیوان در طرفهای غیرپای‌بند به اصول ایجاد می‌شود تا از تمسک به این قبیل وسایل غیرقانونی روی نگردانند و یا در صورتی که قبلاً بدان وسایل متوسل شده‌اند، از مسیر خود بازنگردند، بسیار جدی است. در واقع به این نوع اصحاب دعوی پیام داده می‌شود که بدترین فرجامی که در انتظارشان خواهد بود، اینست که دیوان برای ادله آنان "هیچگونه ارزش اثباتی قایل نشود." ولی این، چنان مخاطره‌ای نیست که بسیاری از اشخاص غیرپای‌بند به اصول مایل به استقبال آن نباشند. دلیل این مدعا را - اگر نیازی به ارائه دلیل باشد - می‌توان در تعداد روزافزون ادعاهایی یافت که دیوان آنها را بر این اساس که ادله موعدای آنان "هیچ ارزش اثباتی" ندارد، رد کرده است! اما اینکه دیوان تا کی مایل و قادر به ادامه تحمل این چشم‌انداز نامطبوع می‌تواند باشد، مسأله دیگری است.

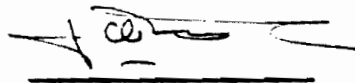
(۵) نامه مورخ ۲۸ شهریورماه ۱۳۷۰ [۱۹ سپتامبر ۱۹۹۱] رئیس دیوان به نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران.

- ۸ -

- سه -

مقتضی است در ختم مطلب به نکته دیگری نیز توجه داده شود. آقای مالک فردی است دارای تابعیت مضاعف که خواسته^۶ وی جبران خسارت بابت نقض ادعایی حقوقی بوده که او احتمالاً^۷ به اتکاء تابعیت ایرانی خود تحصیل کرده است. اینکه ادعاهایی با چنان اوصاف قابل رسیدگی است یا خیر، موضوعی است که دیوان باید در آراء^۸ آتی خود راجع به آنها تصمیم گیرد. این موضوع تنها بدان علت در حکم حاضر مورد رسیدگی واقع نشده، که طبق رأی^۹ دیوان، ادعاهای خواهان در آزمون مراحل اولیه رسیدگی توفیق نیافته است.

لاسه، بتاريخ ۲۰ مردادماه ۱۳۷۱



محسن آقاسینی